آژیر
دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« بهای اشتراک »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دولتی صدی بیست تخفیف منظور میگردد
بهای آگهیها بادفتر اداره است
جای اداره:
(خیابان شاه جنب کوچه حمام باغ)

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

مجلس چهاردهم باز میشود

ایران را ما چگونه میخواهیم؟

پس فردا دورهٔ چهاردهم تقنینیه از طرف اعلیحضرت شاه مفتوح خواهد شد . دو سال تمام سرنوشت مردم این کشور در دست ۱۳۶ نفر نماینده خواهد بود که به یا خوب از طریق صحیح یا نادرست انتخاب شده‌اند .

وکلای طهران در حین افتتاح حاضر خواهند بود . طرفداران تاخیر گشایش پارلمان را عقیده این بود که چون محتمل است انتخابات طهران بهتر جریان پیدا کرده و نمایندگان صالح تری انتخاب شوند در انتظار ایشان مدتی تاخیر جایز خواهد بود . ولی وضع انتخابات مرکز در تحت سرپرستی عالیه آقای سید محمد صادق طباطبائی طوری بود که همه دیدند و دیدیم . خرید و فروش آراء . چاقو کشی ـ تهدید و تطمیع و اعمال نفوذهای بعضی محافل و از همه بدتر « جزبه » کاملا رواج بود . نتیجه اکثر وکلای طهران ـ بطوری که تا کنون از نتیجه قرائت آراء مشهود است ـ روبهمرفته از وکلای شهرستانها ...

شهرهائی ... و چه میتوانند طرز فکر و هدف خود را ... گردد و امید برای ... باشد ... انجمن‌های ایالتی و ولایتی ... و ... ایران در اداره امور داخلی شهرستانها ... داده شود ...

در قسمت سیاست خارجی

نظر ما در یکی از مقالات سابق ما تحت عنوان « در بارهٔ سیاست خارجی » ذکر شده است ، ایجاد روابط صمیمانه و صادقانه با تمام کشورهای همسایه و علی‌الخصوص اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و آمریکا باید اساس سیاست خارجی ما باشد ...

در قسمت دادگستری

راجع به فرهنگ

در موضوع ارتش

بازرگانی و صنعت

کشاورزان

کارگران

قانون اساسی مشروطیت ایران

در سیاست داخلی

بقلم ا. وارگا عضو آکادمی شوروی

بقیه از شماره پیش

طرح تثبیت پول ها

بعد از جنگ

مدتی است که نقشه کینس با در نظر گرفتن وضع مخصوص انگلستان طرح شده است .

... در خارج ... و ... ولی ... نمیتواند ...

نقشه کینس ...

آقای مدیر روزنامه آژیر

از خاطرات زندان

نگارش ح . ت

منقلبین و مارتین

از منازل تاریک زندان قدیم

ورنج میگوید:

بیمه اجتماعی مانع احتکار است

... بیکاری و مصائب دیگر اعلام خاتمه‌انکار و ترقی نیست بلکه خود بزرگترین پیشرفت و ابتکاری است که در تاریخ بشر پیدا شده باشد .

ترجمه ح . ص

تعمیر انبار دانشگاه

... تجمعی که بارها در گذشته بهانهٔ استعمار و اعمال نفوذ از طرف زورمندان شده است جلوگیری کنند ... از طرف مامورین حکومت ... که قسمت اعظم ... است این حرکت ...

باختر
پس از هفت ماه عصر شنبه
بنمایش میگذارد
۱ ـ ۲

تلگراف از مراغه

کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت رهبر رونوشت مردم رونوشت آژیر رونوشت ستاره رونوشت باختر رونوشت جبههٔ ایران رونوشت امروز و فردا با یک دنیا تاثر در گذشت شادروان سلیمان محسن اسکندری را به عموم بازماندگان و فامیل ایشان خصوصا به کمیته مرکزی و تمام رفقای حزبی تسلیت گفته یقین داریم با مجاهدات و کوشش آزادیخواهانه رفقای حزب روح آن فقید شاد و جاویدان خواهد ماند از طرف کمیته محلی مراغه ...

... را در اختیار عموم بی‌ارزش جلوه‌داده بازار جهل و بی سوادی را رونق می بخشد و بدیهی است مادامیکه اولیای معظم دولت در تشویق و ترغیب ملت به تحصیل اهتمام کامل بعمل نیاورند باید ارزش تحصیل را معلوم نموده برای عناصر تحصیل کرده در قانون استخدام کشوری امتیازاتی قائل شوند .

استدعا داریم مقامات مربوطه ... دیپلمه ... در وزارت کشور استخدام ... موجبات دلگرمی دیپلمه‌ها و وسایل تشویق بی سوادان فراهم کرده و هم از وجود دیپلمه‌ها در پیشرفت کشور بنحو اکمل استفاده شود

دیپلمه های خراسان

تلگرافها

از تبریز

کمیته مرکزی حزب توده ایران روزنامه شورای مرکزی اتحادیه کارگران روزنامه رهبر روزنامه مردم روزنامه آژیر ما کارگران آذربایجان از فوت سلیمان محسن اسکندری که سر لوحه جنبش های آزادیخواهانه بوده و یکی موسسین حزب توده ایران بوده بی نهایت درجه متاسف بوده و به همه کارگران و اعضای حزب توده ایران و آزادیخواهان این واقعه اسف انگیز را تسلیت می گوئیم و قول میدهیم راه او را در نهضت آزادی تعقیب کنیم [illegible] آزادی [illegible] کارگران [illegible] شورای متحده اتحادیه کارگران آذربایجان [illegible] اکبر [illegible] احمد [illegible] ابراهیم محمد علی [illegible].

از خوی

حزب توده ایران روزنامه مردم آژیر رهبر [illegible] رهبر طبقاتی و پیشوای آزادی آقای سلیمان محسن اسکندری [illegible] آزادیخواهان خوی [illegible] تسلیت خود را [illegible] آزادیخواهان و سازمانهای [illegible] تقدیم میدارد رئیس حزب توده ایران خوی [illegible] یکتائی.

از رضائیه

آقای [illegible] وزیر روزنامه توسط آقای دکتر کشاورز مجلس شورای ملی روزنامه کمیته مرکزی حزب توده ایران روزنامه وزارت کشور روزنامه [illegible] رهبر روزنامه نامه مردم روزنامه آژیر روزنامه جبهه آزادی روزنامه [illegible] رضائیه [illegible] آزاده در خیابان ها و معابر شهر و [illegible] شعار [illegible] از [illegible] پنجاه [illegible] از طرف کمیته رضائیه حزب توده ایران آزاد وطن

از شاهپور

کمیته مرکزی حزب توده ایران روزنامه رهبر مردم رزم آژیر [illegible] آزادی [illegible] آقای سلیمان محسن اسکندری را که در این موقع ضایعه بزرگی برای عالم آزادی است عموم آزادیخواهان بخصوص برادران حزبی تسلیت میگوئیم کمیته شاهپور [illegible]

از کاشمر

وزارت دارائی روزنامه اطلاعات روزنامه ایران روزنامه آزادگان روزنامه ایران ما روزنامه آژیر ایران از زمان جیره بندی تا حال [illegible] که [illegible]

مهمترین خبرهای خارجی

حملات سخت آلمانها در ارتفاعات [illegible] متوقف گردیده است

مسکو - [illegible] خبرگزاری انگلیس [illegible] اطلاع داده [illegible] آلمانها [illegible]

[illegible]

تکذیب آلمان

استکهلم - خبرگزاری انگلیس [illegible] اعلامیه [illegible] آلمان [illegible]

[illegible] ماه مدت برای ایران [illegible] آزاد [illegible] در ماه چهار صد گرم [illegible] چهارصد [illegible] هادی [illegible] حاج علی رضا زاده [illegible] اخوان [illegible]

فن مانشتین خود را برای آخرین تلاش آماده میکند

مسکو - [illegible]

فن مانشتین خود را برای [illegible] آماده میکند [illegible]

[illegible]

مسکو - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد که رادیوی مسکو [illegible] اعلامیه [illegible] وزارت امور خارجه انگلیس را راجع به [illegible] از قاهره که [illegible] آزادی [illegible] خصوص [illegible].

پس از زمین لرزه سان ژوآن

سان ژوآن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد در اطراف شهرستان ژوآن [illegible] ورود [illegible]

از طرف دیگر [illegible] زلزله [illegible] سان ژوآن را تخلیه نموده اند.

این شهر [illegible] سان ژوآن [illegible]

[illegible]

اتفاق نظر بین دولت امریکا و سایندگان سندیکاهای راه آهن

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible] راه آهن های امریکا [illegible] اتفاق نظر [illegible] نمایندگان سندیکاهای راه آهن حاصل شده است.

[illegible]

لندن - بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس [illegible] اعلامیه ستاد ارتش [illegible] شمال افریقا [illegible]

اعلامیه یوگواسلاوی

لندن - بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس رادیوی یوگواسلاوی آزاد [illegible] اعلامیه [illegible] یوگواسلاوی [illegible] آلمان [illegible]

آلمانها میکوشند که راهی بسوی [illegible] باز کنند.

آلمانها [illegible] اعلامیه [illegible]

در [illegible] واقع در کرواسی در مرکز دشمن [illegible] میکردند.

دشمن میخواهد که برای حملات سخت در اراضی مستحکم شده راه باید نیروهای دشمن [illegible] نیروی کمکی میرسد.

آگهی

اداره فنی وزارت دادگستری به چند نفر مترجم زبان هندی اردو گجراتی و زبانهای محلی دیگر هندوستان و ترکی اسلامبولی و ترکی معمولی و زبان [illegible] نیازمند است.

آقایان داوطلب میتوانند از تاریخ نشر این آگهی تا ده روز دیگر به دایره دفتر اداره فنی وزارت دادگستری واقع در خیابان باب همایون مراجعه و طبق آئین نامه مربوطه تقاضای خود را تکمیل و تقدیم نمایند تا در صورت واجد بودن شرایط مقرره پروانه مترجمی رسمی بآنها داده شود

رئیس اداره فنی وزارت دادگستری - دکتر امین فر

(ث.ث.ث) ش ۲۵۶۰

آگهی حراج

چون مدتی از تاریخ بازداشت اموال آقای حسین احمدزاده در برابر بدهی مالیاتی که میگذرد و نامبرده حاضر بپرداخت آن نگردیده لذا طبق ماده ۳۶ آئین نامه اجرای مالیات بردرآمد اموال بازداشتی که عبارت از یکصد عدد [illegible] و سیصد عدد کتاب تعلیمات نظامی و ۴۰ عدد کتاب جنگجویان [illegible] روز دوشنبه یکم اسفند ماه سال جاری ساعت ۹ صبح در سبزه میدان بمزایده گذارده خواهد شد.

ث.ث.ث رئیس اداره مالیات بردرآمد تهران - ایمانی

ش - ۲۵۳

اخبار گوناگون

خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد که از تمام کانهای نفت اورجونیکیدزه واقع در شبه جزیره آبشرون بهره برداری میشود عمق چاه های این کان یازده هزار و پانصد پا میرسد و نفت بسیار خوبی بیرون میدهد.

...

دو ناله [illegible] رئیس اداره محصولات جنگی آمریکا اظهار داشته است اشخاصی که میکوشند با توليد اعتصاب منافع زیادی از جنگ بردارند بازیچه دست عامل های هیتلر در آمریکا هستند و هیچ تهیه دیگری از کار خود جز کمک در تحکیم وحدت و مبارزه دموکراسی در کشور نخواهند کرد.

...

رادیوی سوئد میگوید برطبق خبری [illegible] و خبرگزاری [illegible] اداره شهربانی [illegible] برای تامین آرامش [illegible] آلمانها و [illegible] شهربانی [illegible] توقیف گردیده اند.

...

دولت بولیوی [illegible] ژاپنی را ضبط کرد.

...

تقریبا در سه میلیون سان ژوان برای پناه دادن اشخاصیکه از زمین لرزه سان ژوان آسیب دیده اند هزاران چادر برپا شده است.

...

[illegible] رئیس جمهوری [illegible] سه شنبه برای ملت آرژانتین نطق خواهد کرد [illegible]

...

رادیوی ژاپن امروز اطلاع داد که تخلیه شهر های بزرگ ژاپن بتدریج صورت میگیرد.

برای مذاکره تخلیه ترکیه [illegible] آن جلساتی در وزارت کشور تشکیل یافته است.

حل اختلاف راه آهن ها در امریکا

واشنگتن - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد که روزولت رئیس جمهوری آمریکا امروز اطلاع داد که اعتصاب کارگران آمریکا حل شده است و آخرین اختلافات بعداز ظهر دیروز یکی مرتفع گردید و پیش بینی شده است که دیرتر برمزد کارگران افزوده شود.

استیمسون وزیر جنگ دستور داده است که راه آهن هائی که از طرف دولت تحت بازرسی قرار گرفته نیمه شب پنج شنبه به صاحب آنها باز گردد.

در آخرین حمله به صوفیه ۶ الی هفت هزار نفر کشته شده اند

زوریخ - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس خبرنگار روزنامه بازلر ناخریشتن مقیم بودابست خبر میدهد که براثر دو حمله نیروی هوائی متفقین برصوفیه در هفته گذشته ۶ الی هفت هزار نفر از اهالی صوفیه کشته شده اهالی صوفیه پیش از آنکه دستور رسمی تخلیه شهر صادر گردد شروع به تخلیه پایتخت نمودند تا روز جمعه تقریبا ۱۵۰ هزار نفر که نصف جمعیت صوفیه است شهر را تخلیه کردند و نیز وزارتخانه ها و ادارات شهرداری هم پایتخت را تخلیه نموده اند.

خبرنگار اضافه میکند که براثر تخلیه شهر اوضاع پایتخت درهم و برهم میباشد.

چاپخانه داد

ترجمه کریم کشاورز — ۲۱ — نگارش جون بی پریستلی

تاریکی گرتلی

دراین کوچه توده سیاه که کوچه نام داشت ما بزحمت تمام دو اتوموبیل پیدا کردیم در یکی از آن دومن و شیلا و مستر بریگوشنیو و افسر جوان هم پهلوی شوفور قرار گرفت.

تا وقتیکه اتوموبیل در تاریکی حرکت میکرد مستر بریگو سر خود را پشت نهاده بود من هم میل صحبت نداشتم فقط شیلا و آن افسر به گفتگو های بی سروته ولغو خود ادامه میدادند.

اوقات من تلخ بود و هربار که وقت خود را با اینگونه تفریحات لغو می گذرانم چنین میشوم.

ولی شاید گرسنگی و تشنگی هم در این اوقات تلخی دخیل بود و من این را با همسفرهایم میان گذاشتم.

شیلا گفت

- غم نخورید - غذای عالی و مشروب فراوان خواهید خورد - [illegible] خواهید دید.

نمیدانم میبیز چسونه این چیز ها را از کجا گیر می آورد - ولی گیر می آورد.

بالاخره بجائی رسیدیم ولی نمیدانستم کجاست.

وقتی اتوموبیل ما توقف کرد من آهنگ موزیک رقص شنیدم.

مستر بریگو گفت:

- خوب است بیاد بیاوریم که از اقیانوس منجمد شمالی تا دریای سیاه هزارها نفوس ذکیه از سرما در رنجند و هلاک میشوند در برلن و لهستان میلیونها مردم از گرسنگی میمیرند.

در خاور دور مردم را سر میبرند و شکنجه میدهند و شاید بعضی از دوستان شخصی ما هم جزو آنان باشند...

شیلا فریاد زد:

« محض رضای خدا این حرف ها را ول کنید »

مستر بریگو در حالیکه از ماشین خارج میشد گفت

« عزیزم بسیار خوب - دیگر نمیگویم - من روی سخنم باشما نبود بلکه مخاطبم دوست مالیخه بود زیرا می بینم که او مرد عاقلی است.

وچون عاقل است از خود سؤال خواهد کرد که ما این خودکشی احمقانه را چرا دوام میدهیم. »

افسر همراه ما که علی الظاهر جوان تنگولی بود گفت « برای اینکه بر هیتلر پیروز گردیم ».

مستر بریگو با رضایت خاطر ممزوج بکینه گفت

« البته اینطور است - ولی آیا ما میتوانیم بر هیتلر پیروز گردیم؟ حرف در اینجاست. »

افسر را از این سخن خوش نیامد و گفت.

« گوش کنید »

شیلا باعصبانیت درآمده گفت

« این مشاجره را ول کنید و بگذارید لااقل یکبار چنانکه باید و شاید کیف کنیم. »

شیلا همیشه این لحن حرف میزد و همیشه گوئی پس از یک کشیک ۱۲ ساعته در اطاق جراحی تازه راحت شده است - درصورتیکه در واقع و نفس الامر از صبح تا غروب کاری نداشت جز اینکه بینی اش را پودر بزند و به آشنایانش تلفون کند.

ولی این فقط ظاهر امر بود. مشارالیه یک خط مشی را که بعقیده اش همه از او انتظار داشتند انتخاب کرده بود. من جانش سر بسرش میگذاشتم و او هم فهمید که من فهمیده ام.

در مهمانخانه « بی بی خاج » علی الظاهر عادت براین قرار گرفته بود که هر تازه واردی مستقیما بسوی « بار » برود و در آنجا « کوکتیل » میداده.

حالا نشناختش باشد یا نباشد اهمیت نداشت. همینکه در « بار » آقای « جو » مکیتل مالی میکرد تلاش بود. در مدت ۱۰ دقیقه که از ورودما گذشته بود بعدی، تعرفه از « جو » شنیدم که پیش خود او را یکی از مصاریف محل بحساب آوردم.

این مرد جوان میبکر و دست و پاگرمی بود و اجناس گران قیمت لعین را بایتخت وارد میکرد و از قرار معلوم در پایتخت در مهمانخانه « ورائی » کوکتیل درست میکرد. « جو » به همه چنین وانمود میکرد که خیلی لطف کرده است که گرتلی را بقدوم خود مزین کرده. باید از انصاف دور نشوم جو در کوکتیل درست کردن استاد بود و تمام آنچه را که برای این کار لازم بود باز بردستی تمام از هر جا که شده بدست می آورد.

برای من شخصا دو تا کوکتیل درست کرد که مدتها بود مصرف نشده بود. مرد [illegible] و خوش مشربی بود. خیلی ظریف لباس پوشیده بود و حتی میتوان گفت که با تیم نه سفیدش شیک بود. خیلی خدمتگذار بود و بالوجه امریکائی لهجه های مشمول کننده میگفت. از بعضی جهات به ماراتان شبیه بود. من خوشم میآمد به کار کردن او بنگرم. ما هشت نفر بودیم و در اطاق ناهار خوری که در عین حال سالون رقص بود غذا میخوردیم.

این اطاق با سلیقه تمام مبله شده بود و از یک مهمانخانه بیرون شهر و آنهم در یک شهرستان اینهمه دقت در زیبائی اطاق ها مافوق انتظار بود. شیلا حق داشت. میبیز جسوند حق میزبانی را بالکمال بجا آورد. غذا هم در خوبی از کوکتیل عقب نمی ماند. با غذاهای لذیذ گران قیمت و شراب سرخ و لیکور و کباب دادند.

من بین میبیز جسوند (که آنطرفش خلبان خردسالی نشانده بود) و شیلا نشسته بودم. و طرف دیگر شیلا یکنفر افسر نشسته بود. بعد از او هم بدیهی است که مستر بریگو قرار داشت. او با اشتهای کاملی میخورد و مینوشید و با دو شانائی که به دسته ها پیوسته بود نه حرف میزد.

من نمیتوانستم بفهمم که چرا میبیز جسوند اینقدر بامن التفات دارد

جای شکی نبود که من مطابق سلیقه او نبودم و باخانه همه بنظر اول میدیدند که مشارالیه دلباخته خلبان است. چیز تلخی در کمین من بود.

بانوی آشنای تلخ من که مغازه هدایا را اداره میکرد و میس اکستون نام داشت در سالون بالفرمانده دسته هوائی میرقصید. خیلی زیبا وافسون کننده بود. بیاد آوردم که درحین دعوت از او نام مهمانخانه « بی بی خاج » را بزبان آوردم و مشارالیها گفت که نام این مهمانخانه را شنیده است ولی هیچ چیز نگفت که امشب اینجا خواهد آمد. شاید هم آنوقت هنوز نمیدانست که گذارش به مهمانخانه خواهد افتاد.

شیلا ملتفت شد که من بطرف میس اکستون مینگرم. هیچ چیز ممکن نبود از نظر ناقد او رد شود و بمن گفت:

« - این گویا صاحب آن مغازه زشت (اشیاء زیبا) باشد »

من گفتم که چنین بنظرم میرسد و از هویت او سئوال نکردم. شیلا گفت

« خوش است. باور کنید که خیلی از آنچه ازدور بنظر میآید مسن تر است. ازش خوشم نمیآید. » من خندیده پرسیدم از چه جهة خوشش نمی آید از گفت:

- « اولا خیلی افاده میکند و ثانیا دروغگو است ». اطلاع هم دارم که میس اکستون دروغگو است خودم هم اطلاع داشتم و راجع به میس و افاده اش هم علاقه نداشتم. در انگلستان نصف مردم نصف دیگر را به میس و افاده متهم میکنند و روی همرفته حق هم دارند.